

۱۳۴۲

# در جستجوی خدا

غایت کاوش‌های علمی بشر

نویسنده: آرتور ایبرت پیکاک

مترجم: علی بازیاری شورایی

سبزان

سرشناسه: پیکاک، آرتور رابرت، ۱۹۲۴ - ۲۰۰۶ م. Peacooke, Arthur Robert

عنوان و نام پدیدآور : در جستجوی خدا؛ غایت کاوش‌های علمی بشر

مشخصات نشر: تهران: سبزان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص.

شابک: ۴ - ۱۴۴ - ۱۱۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی:

<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: Paths From Science Towards God

شناسه افزوده: بازیاری شورابی، علی، ۱۳۴۲ -

شماره‌ی کتابشناسی ملی : ۳۸۷۵۷۵۲



انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان فروغ - ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۴۴

در جستجوی خدا

غایت کاوش‌های علمی بشر

• نویسنده: آرتور رابرت پیکاک

• مترجم: علی بازیاری شورابی

• ناشر: سبزان

• خدمات نشر: واحد فنی سبزان

۸۸۳۴۸۹۹۱-۸۸۳۱۹۵۵۷

• نوبت چاپ: پنجم - ۱۴۰۱

• تیراژ: ۵۰۰ نسخه

• قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

• چاپ و صحافی: خجسته

فروش اینترنتی از طریق سایت آی‌ای کتاب [www.iiketab.com](http://www.iiketab.com)

شابک ۴-۱۴۴-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸ ISBN 978-600-117-144-4

## فهرست مطالب

|                                  |    |
|----------------------------------|----|
| مقدمه                            | ۹  |
| پیشگفتار: سفر پیدایش هزاره‌ی سوم | ۱۷ |

### بخش نخست

#### جستجوی روحانی در دنیای جدید علم

|                                                     |    |
|-----------------------------------------------------|----|
| فصل اول: درگیری علم با باورهای مذهبی در دوران معاصر | ۲۳ |
| دو فرهنگ و برتری علم                                | ۲۳ |
| بُعد روحانی دانشمندان                               | ۲۵ |
| طلوع علم                                            | ۲۸ |
| چالش‌های گذشته و جعل باور مسیحی                     | ۳۳ |
| چالش بین دو فرهنگ علمی و مذهبی در دوره‌ی معاصر      | ۳۶ |
| فصل دوم: علم و آینده‌ی الهیات                       | ۳۹ |
| وجوه عقلانی علم و الهیات                            | ۳۹ |
| ایستادگی علم در برابر نقد پست‌مدرنیسم               | ۴۴ |
| تکامل و عقلانیت بشر                                 | ۴۷ |
| استدلال استنتاجی برای رسیدن به بهترین روایت         | ۵۰ |
| الهیات بر سر چندراهی                                | ۵۵ |
| الهیات آن‌گونه که هست                               | ۵۶ |
| الهیات آن‌گونه که می‌تواند باشد                     | ۵۷ |

## بخش دوم

کاوش بشر از علم تا خدا: دیدگاه‌های نو، چالش‌ها و پرسش‌ها

|                                                |     |
|------------------------------------------------|-----|
| فصل سوم: جهانی که هست.....                     | ۶۵  |
| چرا این جهان.....                              | ۶۵  |
| خدا و زمان.....                                | ۷۰  |
| جهان: یکی و بسیار.....                         | ۷۸  |
| تأثیرات کل بر جزء در جهان.....                 | ۸۳  |
| جریان اطلاعات در جهان.....                     | ۸۵  |
| جهان به عنوان یک کل: سیستمی متشکل از سیستم‌های |     |
| دیگر.....                                      | ۸۷  |
| جهان قانون‌مدار و عدم مداخله.....              | ۸۹  |
| جهانی با رویدادهایی پیش‌بینی‌ناپذیر.....       | ۹۲  |
| جایگاه مغز، ذهن و انسان در جهان.....           | ۹۴  |
| ارتباطات میان انسان‌ها در جهان.....            | ۹۷  |
| فصل چهارم: جهان در حال شدن.....                | ۱۰۱ |
| حماسه‌ی تکامل.....                             | ۱۰۱ |
| آغاز فیزیکی جهان.....                          | ۱۰۴ |
| خاستگاه حیات.....                              | ۱۰۵ |
| اصل انسانی.....                                | ۱۰۸ |
| مدت زمان تکامل.....                            | ۱۱۱ |
| مکانیزم تکامل زیستی: انتخاب طبیعی.....         | ۱۱۳ |
| فرایندی از تصادف و قانون (وجوب).....           | ۱۱۶ |
| ظهور بشر.....                                  | ۱۱۹ |
| رفتار انسان.....                               | ۱۲۱ |
| فرایندها و جهات تکامل.....                     | ۱۲۳ |
| همه‌جا حاضری درد، رنج و مرگ.....               | ۱۲۵ |

|          |                                                 |
|----------|-------------------------------------------------|
| ۱۲۸..... | تکامل حیات و کاوش انسان به سوی خدا              |
| ۱۳۳..... | فرایند تکامل و مخاطرات آن                       |
| ۱۳۵..... | فصل پنجم: برهم کنش های خداوند و جهان            |
| ۱۳۵..... | مسئله                                           |
| ۱۴۰..... | پیش بینی پذیری و رابطه ی علیت                   |
| ۱۴۶..... | سیستم های آشوبی و فعل الهی                      |
| ۱۵۳..... | رویدادهای کوانتومی و فعل الهی                   |
| ۱۵۸..... | تأثیر متقابل کل و جزء و برهم کنش خداوند با جهان |
| ۱۶۶..... | خداوند، بسان یک عامل شخصی در جهان               |
| ۱۶۹..... | فصل ششم: صدای سکوت محض                          |
| ۱۷۱..... | خداوند، تجربه ی بشر و وحی                       |
| ۱۷۲..... | مکاشفه عمومی                                    |
| ۱۷۳..... | مکاشفه اعضای یک سنت مذهبی                       |
| ۱۷۳..... | مکاشفه خاص                                      |
| ۱۷۴..... | مکاشفه و تجربه ی مذهبی                          |
| ۱۷۵..... | چگونگی ارتباط خداوند با بشر                     |

## بخش سوم

### پایان کاوش های بشر

|          |                                                                               |
|----------|-------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۸۳..... | فصل هفتم: الهیاتی باز                                                         |
| ۱۸۳..... | فصل هشتم: "در اوست که ما هم زندگی می کنیم و هم حرکت و هستی خود را داریم." ۱۹۱ |
| ۱۹۱..... | خدای همه جا حاضر: نوعی طبیعت گرایی تائیدی                                     |
| ۱۹۵..... | پانن تائیسیم                                                                  |
| ۲۰۵..... | فصل نهم: جهان بسان آئینی برای رستگاری                                         |
| ۲۰۵..... | رابطه ی ابزار و نمادین خداوند و بشر با جهان                                   |

## مقدمه

برای هر کار خطیری که روزگاری در جریان بوده است لحظه‌ای وجود دارد که در آن، انسان دانا خود را کمی عقب می‌کشد و به بررسی این مهم می‌پردازد که او در کجای کار است و چگونه به آنجا رسیده است. من از زمان دانش‌آموزی‌ام در دهه‌ی چهل سده‌ی بیست، یعنی آنگاه که همایش پرچنب و جوش مربوط به صیغه‌ی ششم [ضمائر] در مدرسه‌ی گرامر واتفورد به مجادلات مربوط به "داروین‌گرایی" و کتاب سفر پیدایش انجامید، راجع به ارتباط جهان‌بینی علمی با ایمان مسیحی اندیشه کرده‌ام. بعداً نیز به عنوان یک بیوشیمیست بدن، سروکارم کاملاً با علم بود و این فرصت ویژه را پیدا کردم تا با دانشمند دیگری در کشف ساختار DNA شرکت و وجوه فیزیکی - شیمیایی آن ساختار حیرت‌آور را بررسی کنم. به‌رغم همه‌ی اینها، گرایش من برای معانی و مفاهیم گسترده‌تری چون مفاهیم سنتی و مذهبی کاملاً فرونشست. من در جایی دیگر [۱] راجع به برخی از راه‌ها و کوره‌راه‌هایی که در آنها این گرایش دو وجهی مرا هدایت کرده‌اند سخن گفته‌ام. تقریباً سی سال پیش بود که سِمَت ریاست کالج کلار در کمبریج را به دست آوردم و این موقعیت را پیدا کردم تا بادقت [۲] رابطه‌ی بین علم و مذهب را به طور عام و رابطه‌ی علم با مسیحیت را به طور ویژه مورد بررسی قرار دهم.

خوشبختانه، در انگلستان، سلسله‌ای از افراد برجسته وجود داشته که نوعی رویکرد هوشمندانه، باز و در عین حال تلفیقی را نسبت به این رابطه، زنده نگه داشته‌اند. از شخصیت‌های اصلی این سلسله می‌توان به یک استاد سلطنتی پیشین الهیات در کمبریج یعنی چارلز ریون انگلیسی [۳] که یک طبیعت‌گرای تیزبین بود و روحانی متدگرا

چارلز کولسان[۴] که نهایتاً به استاد ریاضی روزبال در آکسفورد و حامی درجه یک شیمی کوانتوم تبدیل شد اشاره کرد. شخصیت‌های دیگری نظیر جی.دی یارنولد[۵]، آ.اف اسمترست[۶] ای. ماسکال[۷]، هم بودند که به بقای این حرکت کمک رساندند تا در میان متفکران مسیحی نوعی تعامل سودمند بین علم و الهیات ادامه یابد. لیکن، همان‌گونه که جان هابگود در سوندیگنز[۸] بیان می‌دارد تا اوایل دهه‌ی شصت، دست‌کم در بریتانیا، این یک واقعیت مسلم بود که رابطه‌ی عمومی بین علم و الهیات به نوعی آتش‌بس ناپایدار تبدیل شده بود. از دهه‌ی پنجاه سده‌ی بیست، آن کس که این اختلاف را در حاشیه‌ی آتلانتیک پرورش داد رالف بورهه بود. او این کار را از طریق "موسسه‌ی حامی مذهب در عصر علم"، "مرکز پژوهش پیشرفته در حوزه‌ی مذهب و علم" و دیگر فعالیت‌های مربوط که قابل توجه‌ترین آنها از سال ۱۹۶۶ به بعد در مجله‌ی علم و مذهب ریگون نمود پیدا کرد به انجام رساند.

در دهه‌ی پنجاه سده‌ی بیست و اوایل دهه‌ی شصت همان سده بود که علاقه‌ی من به این مباحث تشدید شد و اگرچه هنوز یک دانشمند تمام‌وقت بودم ولی تصمیم گرفتم دیدگاه خود را توسعه دهم: دیدگاهی که سرانجام تحت نام علم و تجربه‌ی مسیحیت[۹] به چاپ رسید. همان هنگام که من در حال نوشتن این اثر بودم کتاب ایان باربور یعنی مسائل علم و مذهب[۱۰] چاپ شد و فتح‌البابی گردید برای اندیشه‌ی دینی در ایالات متحده‌ی آمریکا تا جهان‌بینی علمی مؤثری که در حال گسترش بود را مورد توجه قرار دهد. ظاهراً، در ایالات متحده‌ی آمریکا، این فرایند، بعد از محاکمه‌ی اسکوپز در سال ۱۹۲۵ که محاکمه‌ای در زمینه‌ی موضوع تکامل بود تثبیت شد. به نظر می‌رسد که آتش‌بس بین علم و مذهب تا دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، در آمریکا حتی از بریتانیا هم شکننده‌تر بود.

به هر روی، سی سال بعد، صحنه تماماً تغییر می‌کند. نشست‌ها، مقالات، کتاب‌ها و مجلات جدیدی که با کنش و واکنش‌های علم و مذهب و علم و الهیات سروکار داشتند زیاد شدند. درهای دنیا بر روی کیهان‌شناسی و اخترفیزیک و نیز فرایند

تکاملی اهمیت ژنتیک و DNA در شکل‌دهی طبیعت آدمی باز شده بود و فشار برای یافتن معنا در چنین دنیایی دوچندان گشته بود. سی سال پیش، چه کسی می‌توانست تصور کند که نظریه‌ی "پیگ‌بنگ داغ" کیهان‌شناسان و اختریف‌یکدان‌ها، و DNA بیولوژیست‌های مولکولی، نُقل‌آشنای هر محفلی باشد؟ به هر حال، این‌گونه شده است و دانشمندان، فیلسوفان و علمای دینی (و بسیاری از کسانی که معجونی از این دانش‌ها را دارند) بر آن شده‌اند تا تلاش وافر در این زمینه داشته باشند. مؤسسه‌ی جان تمپلتون که تعامل بین علم و مذهب را یکی از دغدغه‌های خاص خود می‌داند در موارد زیادی در زمینه‌ی فوق‌کوشش‌بی‌دریغ کرده است.

از دیدگاه این نگارنده، به نظر می‌رسد که تقریباً سی سال بعد از اینکه من از حرفه‌ی علمی تمام‌وقت خود دست کشیده و وارد جریان پرآشوب علم و مذهب شده‌ام رواست تا در همین مقطع بررسی کنم و ببینم که ما در اکتشافات خود از جهان علم به سوی خدا، در کجا قرار داریم.

موضوعات خاصی [۱۱] وجود دارند که من در گذشته راجع به آنها نوشته‌ام ولی مباحثات بعدی نشان داده که این موضوعات نیاز به بازنگری و توضیح دارند و لذا مایل‌م آنچه را قبلاً نوشته‌ام تنظیم کنم و خوانندگانی را که در حوزه‌ی علم و الهیات دستی ندارند از دشواری فهم جزئیات فنی‌تر در مجادلات آکادمیک معاف دارم. افزون بر این، می‌خواهم دیدگاه وسیعی را به خواننده‌ی عام خود ارائه دهم تا بداند که راه‌های تحقیق در کجاها به بن‌بست رسیده‌اند و از نظر من، کدام راه‌ها می‌توانند سودمندتر باشند. به این ترتیب، امیدوارم که این کتاب، به نوعی مرور و ارزیابی مفیدی در حوزه‌ی علم و الهیات باشد زیرا نگارنده در سی سال گذشته که سال‌های پویایی و رشد انفجاری این حوزه بوده است زیاد درگیر موضوع بوده‌ام.

با وجود این، تعامل بین علم و الهیات در خلاء اتفاق نیفتاده است. این تعامل، پیامدهای بسیاری هم برای مسیری که در آن باورهای مذهبی مستقر می‌شوند و هم برای قضاوت در این باره که کدام‌یک از آن راه‌ها امروزه قابل اعتمادند به بار آورده است. بنابراین، در بخش نخست کتاب، وضعیت جاری الهیات مورد بررسی قرار

می‌گیرد و چون این وضعیت ناقص دیده می‌شود درخواست می‌گردد تا امر خطیر الهیات اگر می‌خواهد در برابر عالی‌ترین استانداردهای عقلانی حاکم بر فرهنگ غربی دوام آورد راه‌های جدیدی را در پیش بگیرد. این اقدام نه تنها برای الهیات که چیزی جز ارزیابی دقیق عقلانی زمینه‌ها و ماهیت محتوای باور مذهبی فراگیر نیست نتایجی به همراه دارد، بلکه به طور کلی برای مذهب نیز پیامدهایی دارد.

در اروپای غربی و بخصوص در بریتانیا نمی‌توان فضای مذهبی را خرسندکننده دانست. به نظر می‌رسد که مؤمنان، بسیارند ولی تعلق خاطر کم است. به تعبیر دیگر، مؤمنان به نوعی به خدای خالق باور دارند اما این باور بد فهمیده شده است و در زندگی روزانه‌ی آنها نقش چندانی ندارد. آنها به طور آشکار با مؤسسات مذهبی سامان‌یافته در ارتباط نیستند. علاوه بر این، بخش رو به ازدیاد کسانی که دست‌کم اعضای کلیساهای مسیحی در بریتانیا هستند، به طور فزاینده‌ای به فرقه‌های محافظه‌کار مسیحیت، که شامل هر دو شعبه‌ی کاتولیک و ایوانجلیک می‌باشند، ملحق می‌شوند. نخستین پیامد زیانبار این روند روبه رشد در داخل کلیساهای لطمه به ویژگی اخلاقی صداقت و راستی است که نوعی ویژگی عمومی در دسترس همگان است و متکی به استدلالی می‌باشد که از تجربه برمی‌خیزد و به اقتدار کتاب، کلیسا یا هر فردی که ادعا می‌شود لغزش‌ناپذیر است اتکا ندارد. از دیدگاه من، به‌رغم ادعای مکرر کلیسا و روحانیت، آنچه همواره پایدار و خراب‌ناشدنی است، کلیسا نیست بلکه حقیقت و راستی عام و فراگیر است.

به باور من، شک چندانی وجود ندارد که صرف‌نظر از هر فشار اجتماعی دیگری که در اروپای غربی و در میان نخبگان آمریکایی دست‌اندرکار است، آنچه باعث شده تا باور مسیحی آسیب ببیند ضعف و نقص باورپذیری آن چیزی است که مردم تحت نام ایمان مسیحی می‌شناسند. من از واژه‌ی "شناخت" استفاده کردم زیرا امروزه برداشت‌های غلط بسیاری وجود دارند که بر آنچه باور مسیحی می‌سازد حکم می‌رانند. برای نمونه، اخیراً استدلال شده [۱۲] که یکی از قضایای مهم این است که مسیحیت معاصر را نوع جدیدی از مسیحیت بدانیم یا دست‌کم مسیحیت معاصر و

مسیحیت تاریخی را دو مذهب کاملاً متفاوت در نظر بگیریم. به رغم پایداری بسیاری از آئین‌های نیایش در کلیسا، تعداد زیادی از دانش‌آموختگان مسیحی مدرن با مشاهده‌ی باورهای عام یکصد و پنجاه سال پیش به لرزه خواهند افتاد. از جمله‌ی این باورها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جهنم جاوید برای کافران، تفسیر لفظی و ظاهری از انجیل، هبوط تاریخی آدم و حوا درست بعد از خلقت دنیا در شش هزار سال پیش، مرگ عیسای مسیح جهت فرونشاندن خشم خدا، عیسای تاریخی به عنوان موجودی همه‌چیزدان و بسیاری موارد دیگر. علت این شگفت‌زدگی این است که محتوای ایمان نمی‌تواند ایستا باشد؛ یعنی اینکه ایمان نمی‌تواند یک بار و برای همیشه به قدیس‌ها نشان داده شده باشد. ایمان عبارت از مجموعه‌ای پویا از عقاید، باورها و نمادهاست که پیوستگی تاریخی با گذشته دارد و در عین حال می‌تواند صورت‌های کاملاً جدیدی به خود بگیرد.

هدف کلی این کتاب این است که توضیح دهد علم، چگونه آیات تازه‌ای از کار خدا را بر روی درک و زندگی بشر گشوده است. تمام اندیشه‌های مذهبی و بخصوص الهیات مسیحی، تحت تأثیر این نشانه‌های جدید به مبارزه طلبیده می‌شوند و همین نشانه‌ها هستند که نوعی فرصت منحصربه‌فرد فراهم می‌کنند تا جستجوی بشر برای یافتن معنا از دل مذهب را با کنکاش او برای درک عقلانی از طریق علم پیوند دهد. فرهنگ و تمدن معاصر مغرب‌زمین به عللی تاریخی، تحت تسلط علمی می‌باشند که بسیاری از دانشمندان ارزشمند آن، اغلب مخالف مذهب هستند. با این حال، خود همین دانشمندان نیز اغلب درگیر نوعی جستجو جهت رفع نیاز روحی می‌باشند و افزون بر این، الهیات مسیحی نیز زمینه‌های تاریخی روی خوش نشان دادن به یک چنین چالش معاصری را دارد زیرا ثابت شده است چالش‌های گذشته موجبات حیات دوباره الهیات بوده‌اند.

شیوه‌های تحقیقاتی ویژه‌ی کارهای الهیاتی، در مقایسه با شیوه‌های پژوهش علمی که پیروزمندان در برابر نقد پست‌مدرنیسم ایستاده‌اند از اعتبار آکادمیک مطلوبی برخوردار نیستند. استدلال می‌شود که نتایج استفاده از معیارهای عقلانی نیز

می‌تواند مورد حمایت نوعی دیدگاه تکاملی قرار گیرد. بنابراین، بر الهیات است که بکوشد تا با استنتاج بهترین توضیحات از اطلاعات متنوع در دسترس، تقاضای راستین عقلانیت را ارضاء کند. در این کتاب، تلاش شده است تا نوعی بررسی اولیه از نتایج چنین فرضی برای الهیات صورت پذیرد.

با توجه به این تصورات ذهنی و بررسی پیامدهای مهم مذهبی دیدگاه‌های علمی است که راه‌های علمی رسیدن به خدا کشف می‌شوند. این دیدگاه‌های علمی عبارت‌اند از:

- دیدگاه علمی راجع به جهان آن گونه که هست؛
- دیدگاه علمی راجع به جهان در حال شدن، یعنی مراحل "حماسه‌ی تکامل" و هزینه‌ی آن؛
- دیدگاه علمی راجع به تعامل خداوند با جهان و انسان، و به‌ویژه هنگامی که این تعامل، مربوط به فعل خاص خدا می‌شود.

کنکاش کتاب حاضر به حمایت از نوعی الهیات باز می‌انجامد که به دنبال نوعی برداشت تلفیقی (از علم و مذهب) می‌باشد و بدین ترتیب پیامدهای زیر را به بار می‌آورد:

نوعی تأکید مجدد بر همه‌جاگیری خدا در جهان و بنابراین، پیدایش نوعی طبیعت‌گرایی تائستی و نوعی پانتائیسزم؛ تلقی از جهان به عنوان نوعی آئین مذهبی، بازنگری ریشه‌ها و خاستگاه‌های مفاهیم یهودی - مسیحی راجع به عقل کل، کلام (لوگوس) و نیروهای خلق‌ناشده‌ی خدا؛ و فرمول‌بندی مجدد تلقی‌های تثلیثی از تجربه‌های مربوط به خدا به شکلی که اصولاً از دیدگاه مذاهب دیگر با آغوشی باز استقبال کند. کتاب با یک پسگفتار امیدبخش پایان می‌پذیرد.

نیکلاس فرار، یکی از دست‌اندرکاران کالج کلار کمبریج بود که در سده‌ی هفدهم میلادی در روستای لیتل گیدینگ، انجمنی مسیحی و غیرروحانی بنیاد نهاد. یکی از تجربیات بزرگ من در آن کالج این بود که با دانشجویانم سالی یک بار به لیتل گیدینگ می‌رفتیم. در آنجا ما هدایای خود را تقدیم می‌کردیم و سپس در حالی

که پرتوهای آفتاب غروب از در غربی کلیسایی که کوچک، مجلل، مهیج و فراموش‌ناشدنی بود به درون می‌آمد، آئین عشاء ربانی را جشن می‌گرفتیم. اینجاست که واژه‌های شعر *لایتل گیدینگ* تی. اس. الیوت در "مقطعی از یک لحظه‌ی بی‌پایان، در آنجا که نیایش، مقبول بوده و جایی جز انگلستان نبوده، و هرگز نبوده و همواره بوده است" جان تازه‌ای می‌گیرند. در همان زمان و همان مکان بود که ما دریافتیم گرداب مجادلاتمان کانونی آرام دارد و از آنجاست که ما با پیش‌فرض‌های رنگارنگ خود به جهات گوناگونی کشیده می‌شویم. همین تجربه بود که اسباب امیدواری من برای رسیدن به اینجا را فراهم آورد؛ زیرا علم، یکی از محرک‌های اصلی است که مؤمنان به خدا را به راه‌های جدیدی برای بیان باورها و تکالیفشان هدایت می‌کند. این کتاب، شرحی است راجع به سفری پژوهشی از جهان علم به سمت خدا و خود می‌داند که گرچه سفر ممکن است پرفراز و نشیب باشد ولی خود هدف همواره ثابت و پابرجاست. هدفی که به *زبان لایتل گیدینگ* همان خداست. اگر خداوند در حقیقت در همه چیز هست پس جستجوی صادقانه‌ی حقیقت نمی‌تواند چیزی جز رسیدن به خدا باشد. در آخرین بخش کتاب، کوشش من بر آن است که بگویم پایان تمام کنکاش‌های ما در جهان علم، در واقع همان خدای سنت ابراهیم و همان معبود یهودی - مسیحی است. همان خاستگاه آغازینی که اینک می‌توانیم آن را برای نخستین بار به راه و روش دیگری بشناسیم.

امیدوارم چنین بینشی برای خواننده‌ی این کتاب هم فراهم آید. توجه: برخی از عبارات و اصطلاحاتی که به توضیح نیاز دارند در پایان کتاب در بخش واژه‌نامه آمده‌اند.